

رهیافتهایی برای تامین مالی دانشگاه‌های دولتی

احمدرضا روشن^۱

چکیده:

مهم‌ترین اهداف دانشگاه‌ها ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی به جامعه است. همچنین وظیفه افزودن بر سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای را دانشگاه‌ها به عهده دارند. بدیهی است چنانچه دانشگاه‌ها از اعتبارات مالی کافی برای تحقق اهداف خود برخوردار نباشند درانجام وظایف خود با مشکل مواجه می‌شوند و نمی‌توانند به طور صحیح درجهت چرخه توسعه اقتصادی کشور عمل کنند. لذا تامین اعتبارات مالی مکفی یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دانشگاه‌هاست.

در نیمه دوم قرن بیستم، از امواج خروشان اولیه تامین منابع دولتی برای بخش آموزش عالی کاسته شد، دولت‌های بیشتر کشورها هم از حمایتشان از این بخش کاسته‌اند و هم بر خواسته‌های خود از آن افزوده‌اند. دولت‌ها مؤسسات آموزش عالی را برای پاسخگویی و انعطاف بیشتر در برابر نیازهای رو به تحول اقتصادی و اجتماعی و نیز توجه به فعالیت‌های خودشان تحت فشار فزاینده‌ای قرار داده‌اند. این وضعیت، اعمال ساختارهای مدیریتی و شیوه‌های تامین مالی و تخصیص دقیق‌تری را در مؤسسات آموزش عالی اجتناب ناپذیر ساخته است. در این مقاله موضوع تامین مالی دانشگاه‌ها از طریق ارسال پرسشنامه و گردآوری نظر روسای دانشگاه‌ها و نیز مصاحبه حضوری با صاحب نظران بررسی شده است که طی آن راهکارهای متعددی برای افزایش استقلال مالی و کسب درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها به دست آمد. از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد: واگذاری بخشی از اختیارات هیات امنا به روسای دانشگاه‌ها، تبیین دقیق بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و تعیین حوزه مسئولیت ارگان‌های مختلف، تعیین قیمت تمام شده خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها توسط خود آنان، انتخاب حداقل یک نفر از اعضای هیات امنای دانشگاه‌ها از میان مدیران بخش صنعت، تشویق دانشگاه‌هایی که درآمد اختصاصی بیشتری کسب می‌کنند، برگزاری کارگاه‌های آموزشی اقتصاد آموزش عالی و تخصیص بهینه بودجه برای روسای دانشگاه‌ها و ...

کلید واژه‌ها: تامین مالی دانشگاه‌ها، روسای دانشگاه‌ها، روش‌های کسب درآمد در آموزش عالی، بودجه آموزش عالی، درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها

۱. عضو هیات علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

مقدمه:

کمیبود منابع مالی دانشگاه‌ها یک مسأله بین‌المللی است که هم مشکل دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته است و هم مشکل دانشگاه‌های کشورهای توسعه نیافته. این مشکل پس از جنگ جهانی دوم شروع شد هنگامی که تقاضای اجتماعی ورود به دانشگاه افزایش یافت و دانشگاه‌ها نتوانستند به همان نسبت افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاه، بودجه خود را افزایش دهند. این مشکل در دو دهه اخیر تشدید شده است چراکه به دنبال افزایش قیمت نفت و بروز بحران‌های متعدد در تجارت بین‌الملل، رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته کاهش یافت و دولت این کشورها نتوانست درآمدهای مالیاتی خود را افزایش دهد در نتیجه منابع تخصیص یافته به آموزش عالی کاهش یافت. از طرف دیگر، در کشورهای توسعه نیافته، به دنبال درپیش گرفتن سیاست اقتصاد بازار آزاد، نقش حمایتی دولت کاهش یافت و به تقلیل مخارج دولت و از جمله مخارج آموزش عالی در این کشورها منجر شد. در این میان وضعیت دانشگاه‌های ایران بغرنج‌تر است. معمولاً دانشگاه‌های دنیا برای تأمین بودجه خود از چهار منبع: ۱. بودجه دولتی ۲. فروش خدمات آموزشی و پژوهشی ۳. شهریه دانشجویی و ۴- کمک‌های مردمی (موقوفات) استفاده می‌کنند به طوری که اگر در یکی از این زمینه‌ها با مشکل تأمین مالی مواجه شوند می‌توانند دیگر زمینه‌ها را فعال کنند و به جبران کسری بودجه خود اقدام نمایند. اما در ایران عمده‌ترین (و شاید تنها) ممر درآمدی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، بودجه دولتی است. از آنجا که بازده آموزش عالی؛ کوتاه مدت و عینی نیست لذا دولت همواره با تنگ نظری بودجه دانشگاه‌ها را تأمین می‌کرده است. از این رو همیشه بودجه سرانه واقعی دانشجو با رشد کاهنده و یا حتی منفی مواجه بوده است. طبق لایحه بودجه سال ۱۳۸۳؛ بودجه فصل ۱۲ (آموزش عالی) و فصل ۱۳ (تحقیقات) به ترتیب ۸۴۹ و ۵۶۹ میلیارد تومان و در مجموع ۱۴۱۸ میلیارد تومان بوده است که تنها ۳ درصد بودجه عمومی دولت و ۱۱/۷ درصد از اعتبارات هزینه‌ای امور اجتماعی را به خود اختصاص داده است و بخش آموزش عالی و تحقیقات نسبت به سایر امور اجتماعی (آموزش و پرورش عمومی؛ تأمین اجتماعی و بهداشتی؛ بهداشت و تغذیه) کمترین سهم را از لحاظ تخصیص بودجه دارا بود.

گرچه بخش آموزش عالی بخش پر اشتغالی جامعه است. اما هم اکنون آموزش عالی بیش از هر زمان دیگری محرک رشد اقتصادی کشورهاست و به همان میزان در برآورده کردن آرمان‌های اقشار کم‌درآمد جامعه و سهم کردن آنان در فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی اهمیت دارد چرا که مواجه شدن با این آرمان‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی و تحکیم روابط اجتماعی برای دولت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. به همین دلیل، آموزش عالی نیاز دارد تا در حد توان خود برای تعلیم دانشجویان بیشتر تلاش کرده و در این زمینه سرمایه‌گذاری کند. اما از سوی دیگر با مشکل کمبود منابع مواجه است (زومتا^۱، ۲۰۰۱). به علاوه آموزش عالی در بیشتر کشورها متهم به فقدان حسابرسی یا عدم پاسخگویی به دانشجویان، وزارت، تجارت و صنعت است. (جانستون^۲ - ۱۳۸۴)

مبحث تأمین بودجه آموزش عالی چندین دهه است که به یک رشته تحقیقی مستقل تبدیل شده است که می‌توان با کمک آن سیاست‌گذاران را نسبت به مشکلات تأمین مالی دانشگاه‌ها آگاه کرد. (ادوارد^۳ و پائولسن^۴، ۲۰۰۱) اکنون همه دولت‌ها تأمین منابع مالی آموزش عالی را مسأله‌ای پیچیده می‌انگارند و این تا حدی به دلیل رشد و توسعه نظام‌های آموزش عالی و هزینه‌های فزاینده آن است. (هوگ^۵، ۱۳۷۶)

یک بررسی نشان می‌دهد که بودجه مناسب و کافی شاخص برتری یک مؤسسه آموزش عالی بر دیگر مؤسسات است. دانشگاه‌هایی که بتوانند بیشترین حقوق را به اعضای هیأت علمی خود پرداخت و بهترین تجهیزات دانشگاهی را خریداری کنند قاعدتاً بهتر می‌توانند مدرسان و دانشجویان با استعدادتری را جذب کنند. البته این موضوع در نظام‌های آموزشی عالی که در یک محیط رقابت آمیز فعالیت می‌کنند بیشتر صادق است. با این وجود نمی‌توان از اهمیت و نقش وضعیت مالی یک مؤسسه آموزش عالی در بالابردن کیفیت ارائه خدمات آموزشی غافل ماند. (راسل^۶، ۱۹۶۷).

-
1. Zumeta
 2. Johnstone
 3. Edward
 4. Paulsen
 5. Hough
 6. Russel

در ارتباط با سازکار تأمین مالی سه بستر یعنی نحوه تخصیص، تأمین‌کننده منابع مالی و استفاده‌کننده منابع مالی وجود دارد. راه‌های متعددی را می‌توان مشخص نمود که از آن طریق، منابع بین برخوردارشوندگان خدمات آموزشی (یعنی افراد و خانواده‌ها) و عرضه‌کنندگان خدمات آموزشی (یعنی مؤسسات آموزشی) اختصاص می‌یابد. هریک از این طرق، آثار مختلفی بر رفتار خانواده‌ها و مؤسسات آموزشی بجا می‌گذارد. این تأثیرگذاری در واقع امکان مدیریت نظام آموزشی را از طریق سازوکار مالی به دولت‌ها می‌دهد. (نادری، ۱۳۸۳) نکته مهم این است که روش‌های تأمین بودجه هیچگاه نمی‌توانند مشکلات تخصیص منابع در آموزش عالی را برطرف کنند. (مک کئون^۱، ۱۹۹۹).

فرآیند تأمین و تخصیص منابع مالی در نظام‌های آموزشی



مشکلات دانشگاه‌ها ضرورت تجدیدنظر در روش تخصیص بودجه به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را نشان می‌دهد. با توجه به تجارب کشورهای دیگر، تجدید نظر در این امر دو محور اصلی خواهد داشت: ۱- کاهش وابستگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به یک منبع واحد و افزایش تعدد مراکز تأمین مالی و ۲- تغییر روش اختصاص بودجه به روش‌هایی که در آن توزیع بودجه و توزیع منابع بر اساس کمیت و کیفیت فعالیت مؤسسات صورت گیرد و تدابیری برای ارتقای کارایی مؤسسات اندیشیده شود. (قارون، ۱۳۷۶)

کیفیت و در دسترس بودن آموزش عالی به مقدار زیادی به شکل تأمین مالی بستگی دارد و روند تأمین بودجه آموزش عالی بازتابی از نوع جامعه است. (ESIB-2005)^۲ در شرایطی که منابع دولتی نتواند با هزینه‌های حاصل از رشد مثبت نام و سایر هزینه‌ها همگام باشد رقابت برای کسب بودجه‌های دولتی از طرف دانشگاه‌ها شدیدتر می‌شود. (مک کئون، ۱۹۹۹)

1. Mc Keown

2. The National Unions of Students in Europe

۵۰ سال پیش، سیستم‌های دانشگاهی کوچک و تنها شامل تعداد معدودی رشته تحصیلی بودند، امروز به دلیل پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک، دانشگاه‌های بیشتر و با دانشجویان و هم‌چنین رشته‌های تحصیلی گسترده‌تر، تأسیس شده‌اند. (بار^۱ و کرافورد^۲، ۲۰۰۵) در حال حاضر درک از استقلال دانشگاه‌ها دلالت ضمنی دارد بر حالتی که دانشگاه بتواند از قید و بند دولتی رها باشد، بتواند امور داخلی خود را آزادانه اداره کند، منابع مالی را خود تخصیص دهد، از منابع غیردولتی تأمین درآمد کند، هیأت علمی مورد نیاز را با توجه به نیازهای داخلی‌اش استخدام کند و بالاخره اینکه شرایط آموزشی و پژوهشی خود را تعیین نماید. بدین ترتیب، استقلال دانشگاهی به موقعیتی اطلاق می‌شود که مؤسسه آموزش عالی مجاز باشد بدون دخالت و تأثیر مستقیم نیروی خارج از دانشگاه، به اداره کردن و مدیریت امور خود بپردازد. این ویژگی اما اصولاً فقط در تئوری وجود دارد و در عمل هیچیک از مؤسسات آموزش عالی از کنترل و تأثیرپذیری خارجی رها نیستند و نمی‌توانند آزادانه آنگونه که می‌خواهند عمل کنند. وانگهی، مفهوم استقلال دانشگاهی یک مفهوم ثابت و پایدار در طول زمان نبوده است. اما احتمالاً مفهوم استقلال نتیجه‌ای است از تعامل سه جانبه بین دانشگاه، دولت و جامعه که طی آن مفهوم استقلال؛ اصلاح و بازتعریف می‌شود و در طول زمان، ارزش‌های جدیدی را شامل می‌گردد. (IAU^۳- 2000)

دانشگاه‌ها در طول قرون متمادی مجبور به ایجاد تعادل ظریف بین حقوق خود برای اداره مستقل و نیز قدرت و فشار جامعه بزرگتر برای برآوردن انتظاراتش بوده‌اند. اگر چه دانشگاه‌ها نتوانسته‌اند همواره از این آزمون سربلند بیرون آیند اما تلاش برای مستقل بودن نزد آنها افول نکرده است. (میاندهی و لواسانی، ۱۹۹۸) اما کوشش دانشگاه‌ها برای کسب استقلال مالی نباید آنان را به ورطه توجه افراطی به کسب درآمد کند و از وظایف اصلی خود دور نماید. جنیفر واشبورن نمونه‌هایی را مثال می‌زند که دانشگاه‌ها را به «نمونه‌های بازاری دانشگاه» تبدیل می‌کند که به طور فزاینده‌ای سود کوتاه‌مدت را بر تحقیقات اساسی و وظایف انسانی دانشگاه مرجح می‌دانند. تجاری شدن دانشگاه‌ها بیش از همه به رشته‌های علوم انسانی صدمه می‌زند.

1. Barr

2. Crawford

3. International Association of Universities

برنامه‌های آموزشی و پژوهشی به سوی تجارت و علم مورد پسند بازار پیش می‌رود در حالی که علوم انسانی و اجتماعی مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند چرا که محصولات کمتری را می‌توانند به صنعت و بازار عرضه کنند. از این رو اینگونه رشته‌ها در مدل بازاری دانشگاه از بودجه کمتری برخوردار می‌شوند. اینگونه صاحب‌نظران مخالف بستن قراردادهای کلان و گسترده از طرف دانشگاه‌ها با شرکت‌های تجاری هستند چرا که به عقیده آنان اینگونه قراردادها موجب به وجود آمدن «تضاد علائق»^۱ در دانشگاه‌ها می‌شود. (واشبورن^۲، ۲۰۰۵)

همچنین اینگو لیفner^۳ برخی دانشگاه‌های معروف کشورهای آمریکا، سوئیس، انگلستان و هلند را از لحاظ راهکارهای تامین مالی مورد بررسی قرار داده است. با وجود این حقیقت که تفاوت‌های بارزی در تامین منابع و تخصیص منابع بین دانشگاه‌ها وجود دارد (مثلاً در آمریکا که مدل بازاری و خصوصی دانشگاه فعال است و در عوض در سوئیس دانشگاه‌ها بیشتر دولتی هستند)، تمامی آنها بعنوان مؤسساتی موفق در سیستم آموزش عالی کشورشان شناخته شده هستند. بنابراین رابطه نزدیکی بین توانایی کسب درآمد و موفقیت در سطح دانشگاهی نمی‌توان شناسایی کرد. (لیفner-۲۰۰۳)

در زندگی دانشگاهی، عوامل و ابعاد چندی را می‌توان به صورت زیر مشخص کرد که می‌تواند و باید موضوع استقلال سازمانی باشد: الف- رهایی از مداخلات غیرعلمی در مدیریت مؤسسه؛ ب- آزادی عمل در تخصیص منابع مالی، به نحوی که مؤسسه مناسب می‌داند؛ ج- آزادی عمل در استخدام و تعیین شرایط کار؛ د- آزادی عمل در گزینش دانشجویان؛ ه- آزادی در طراحی و ارائه مواد درسی؛ و- آزادی در وضع معیارها و تعیین روش ارزیابی. (تایت^۴، ۱۳۷۶)

اگر استقلال سازمانی دانشگاه‌ها بیشتر شود، زمینه برای پاسخگو کردن آنها نیز بیشتر می‌شود و آنها مسئولیت‌های اجتماعی بیشتری به عهده می‌گیرند. همچنین استقلال سازمانی واقعی، تنها با استقلال مالی تضمین می‌شود که آن هم موقوف به این است که مؤسسه به هیچ یک از تأمین‌کنندگان مالی خود وابستگی بیش از اندازه نداشته باشد. دامنه استقلال مؤسسات آموزش

1. Conflict of interests
2. Jennifer Washburn
3. Ingo Liefner
4. Tight

عالی در نحوه هزینه کردن منابع مالی خود، بستگی بسیار زیادی به تأمین‌کنندگان آن منابع مالی دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی-کاربردی و با رویکرد پیمایشی^۱ است که از طریق پرسشنامه^۲ و مصاحبه^۳، اطلاعات مورد نظر گردآوری شد. با توجه به اینکه در خصوص موضوع پژوهش، پرسشنامه استاندارد شده‌ای وجود نداشت از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. (روشن-۱۳۸۵) جامعه آماری تحقیق شامل رؤسای دانشگاه‌های دولتی زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بود که پرسشنامه مذکور در پاییز سال ۱۳۸۵ برای آنان ارسال شد که در آخر ۲۳ پرسشنامه توسط رؤسای دانشگاه‌ها تکمیل شده و مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه شامل دو قسمت بود. قسمت اول شامل ۱۵ گویه که نظر رؤسای دانشگاه‌ها در مورد ابعاد گوناگون راه‌های تأمین مالی دانشگاه‌ها مورد سنجش قرار گرفت. پاسخ به این گویه‌ها شامل انتخاب یکی از گزینه‌های «موافقم، تاحدودی موافقم، نظری ندارم، تاحدودی مخالفم و مخالفم» بود. قسمت دوم پرسشنامه شامل ۱۶ پرسش باز بود که به طور مشروح نظر رؤسای دانشگاه‌ها در مورد موضوع تحقیق گردآوری شده پایایی^۴ پرسشنامه نیز توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفت.

همچنین از طریق مصاحبه حضوری^۵ با چهار نفر از صاحب‌نظران، موضوع استقلال مالی دانشگاه‌ها با کنکاش بیشتری بررسی شد و نظر آنان مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق:

احتمالاً هیچکس به اندازه رؤسای دانشگاه‌ها با مشکلات تأمین مالی دانشگاه‌ها مواجه نیست، چرا که آنها به طور روزانه و به طور عینی و ملموس با کمبود منابع مالی و مشکلات

1. Survey Research
2. Inventory
3. Interview
4. Reliability
5. Face to Face Interview

قانونی کسب درآمدهای اضافی روبرو هستند. در این قسمت به بررسی پرسشنامه ارسالی برای روسای دانشگاه‌ها می‌پردازیم.

پرسش‌های گزینه‌ای:

اولین گویه نظرسنجی از روسای دانشگاه‌ها این بود: «استقلال مالی دانشگاه‌ها لازمه استقلال سازمانی آنهاست». اهمیت این گزینه از آنجاست که به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، در میان ابعاد مختلف استقلال سازمانی دانشگاه‌ها استقلال مالی مهم‌ترین بعد آن است. پاسخ‌های روسای دانشگاه‌ها مؤید این نظر است. ۹۵٪ آنان نظر «موافق» یا «تا حدودی موافق» در این مورد داشته‌اند و این نشان می‌دهد که روسای دانشگاه‌ها قبول دارند که لازمه مستقل شدن دانشگاه‌ها کاهش وابستگی آنها به بودجه دولتی است.

دومین گویه در پرسشنامه ارسال شده به روسای دانشگاه‌ها این بود: «تا کنون دانشگاه‌ها در زمینه یافتن منابع مالی جدید برای خود موفق نبوده‌اند». ۸۰ درصد پاسخگویان با این گونه «موافق» یا «تا حدودی موافق» و ۲۰ درصد نیز «مخالف» یا «تا حدودی مخالف» بوده‌اند. کسانی که با این گویه مخالف بوده‌اند، بیشتر از دانشگاه‌های موفق در ایجاد ارتباط با صنعت بوده‌اند.

براساس اصلاحات انجام گرفته در تخصیص بودجه از سوی دولت، طی سال‌های آینده محور اختصاص بودجه دولتی به دانشگاه‌ها براساس «سرانه دانشجویی» خواهد بود. بدین معنی که دانشگاه‌ها براساس تعداد دانشجویی که پرورش می‌دهند بودجه دریافت می‌کنند. بدین لحاظ نظر روسای دانشگاه‌ها در مورد «بودجه دهی براساس سرانه دانشجویی» خواسته شد که ۶۵ درصد پاسخگویان با این شیوه اظهار موافقت (و یا تا حدودی موافق) و ۳۵ درصد نیز اظهار مخالفت (یا تا حدودی مخالف) کرده‌اند.

شهریه یکی از جنجالی‌ترین مباحث مربوط به تأمین مالی دانشگاه‌ها در ایران است. در حال حاضر، دانشجویان دوره‌های شبانه و پیام نور دانشگاه‌های دولتی شهریه می‌پردازند و دانشجویان دوره‌های روزانه از مزایای آموزش عالی رایگان بهره‌مندند، یک نظر این است که «باید از تمامی دانشجویان دوره‌های روزانه، شهریه اخذ شود تا آنان نیز در تأمین هزینه‌های دانشگاهی مشارکت یابند». ۴۵ درصد روسای دانشگاه‌ها در این مورد نظر «موافق» و «تا

حدودی موافق» و ۴۰ درصد نظر «مخالف» و «تا حدودی مخالف» داشته‌اند و بقیه اظهارنظر نکرده‌اند. این نشان می‌دهد که در میان رؤسای دانشگاه‌ها افرادی که موافق اخذ شهریه از دانشجویان روزانه هستند بیشتر از مخالفان است.

در رابطه با شهریه یک نظر هم این است که «تنها باید از آن دسته از دانشجویان دوره‌های روزانه شهریه اخذ شود که موفق به گذراندن دروس دانشگاهی نشده‌اند و مجبورند آن دروس را دوباره بگذرانند» که ۵۰ درصد رؤسا با این نظر موافق یا تا حدودی موافق و ۳۰ درصد نیز «مخالف» یا «یا تا حدودی مخالف» بوده و بقیه در این مورد اظهارنظر نکرده‌اند.

و باز در رابطه با شهریه نظر رؤسای دانشگاه‌ها در مورد این گویه خواسته شد: «نباید از دانشجویان هزینه‌ای تحت عنوان شهریه (به هر شکل و به هر میزان) اخذ شود» که براساس پاسخ‌های بدست آمده معادل ۸۵ درصد آنان «مخالف» و یا «تا حدودی مخالف» بوده‌اند. این نشان می‌دهد که به طور اصولی، رؤسای دانشگاه‌ها با دریافت شهریه مخالف نیستند چنانکه در پرسش‌های مشروح نیز خواهیم دید برخی از رؤسای دانشگاه‌ها خواهان باز گذاشتن دست رؤسای دانشگاه‌ها از لحاظ قانونی برای دریافت شهریه از دانشجویان شده‌اند هم از لحاظ میزان شهریه و هم از لحاظ اینکه چه کسانی باید شهریه بپردازند.

با آغاز برنامه چهارم توسعه و با وجود بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم، امیدهای زیادی برای استقلال دانشگاه‌ها در ابعاد مختلف بوجود آمد. اما آیا در عمل این امیدها تحقق یافت؟ این پرسش در گویه «هم اکنون دانشگاه‌ها در چگونگی هزینه کردن بودجه تخصیصی خود، استقلال کامل دارند» گنجانده و از رؤسای دانشگاه‌ها پرسیده شد. معادل ۵۰ درصد پاسخگویان به این گویه پاسخ مثبت (موافق و تا حدودی موافق) و ۴۰ درصد پاسخ منفی (مخالف و تا حدودی مخالف) داده‌اند. نزدیک بودن موافقان و مخالفان نشان می‌دهد که هنوز اجماع کاملی در مورد مستقل شدن دانشگاه‌ها با وجود بند الف ماده ۴۹ وجود ندارد و ابهامات و موانع همچنان ادامه دارد.

یک منبع مهم کسب درآمد مستقل برای دانشگاه‌ها «وقف» یا کمک خیرین متمول به دانشگاه است. یک راه حل برای تشویق خیرین به کمک به دانشگاه‌ها این است که اجازه داده شود تا قسمت‌هایی از دانشگاه به نام افراد خیر نامگذاری شود. نتایج نظر سنجی نشان می‌دهد که ۷۰

درصد رؤسای دانشگاه‌ها با این کار موافق و ۱۵ درصد آنان مخالف نامگذاری قسمتی از دانشگاه‌ها (مثلاً کتابخانه) در ازای کمک خیرین هستند. به هر صورت، اغلب مدیران دانشگاه موافق تشویق افراد متمول و خیر برای اهدای کمک به دانشگاه هستند.

۸۵ درصد رؤسای دانشگاه موافق این نظر بودند که «لازم است دانشگاه‌های دولتی، دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی را به عنوان ممری برای تأمین درآمدهای خود گسترش دهند». اما در عمل، چنانکه می‌دانیم دانشگاه‌ها در زمینه راه‌اندازی و تعریف دوره‌های کوتاه‌مدت موفق نبوده‌اند، به عبارت دیگر، گرچه رؤسای دانشگاه‌ها با گسترش این دوره‌ها موافقت اما اقدام علمی مناسبی در این زمینه انجام نداده‌اند.

از معدود مواردی که تمام رؤسای دانشگاه‌ها با آن موافق بودند این گویه بود: «لازم است دانشگاه‌های دولتی آموزش‌های مجازی را به عنوان ممری برای تأمین درآمدهای خود گسترش دهند». اما به دلیل اینکه زیر ساخت‌های فنی و فرهنگی آموزش مجازی هنوز در کشور ما وجود ندارد، لذا آموزش مجازی هنوز در ابتدای راه است، گرچه تمام رؤسای دانشگاه‌ها موافقت کلی خود را با آن اعلام کرده‌اند.

«مدیریت اقتصادی دانشگاه‌ها یک تخصص است و لازم است رؤسای دانشگاه‌ها دوره‌هایی هرچند کوتاه مدت در این زمینه بگذرانند». تمام رؤسای دانشگاه‌ها با این گویه موافق بودند و این ضرورت تعریف و ارائه کارگاه‌های آموزشی مخصوص رؤسای دانشگاه‌ها در زمینه مدیریت مالی و اقتصادی دانشگاه‌ها توسط استادان مجرب را گوشزد می‌کند چرا که رؤسای دانشگاه‌ها به افزایش دانش خود درباره «اقتصاد آموزش عالی» نیاز ملموس دارند.

برای ارتباط نزدیک‌تر دانشگاه و اقتصاد، یک روش این است که حداقل یکی از اعضای هیأت امنای دانشگاه از میان مدیران صنایع تولیدی انتخاب شود تا دانشگاه و صنعت بتوانند گامی در جهت شناخت نیازهای یکدیگر و همکاری بیشتر بردارند. ۷۵ درصد رؤسای دانشگاه‌های با این کار موافق بودند به عبارت دیگر اکثر رؤسا براین باورند وجود مدیری از بخش تولیدی کشور در هیأت امنای دانشگاه به افزایش شناخت دانشگاه و صنعت از یکدیگر کمک می‌کند.

به عنوان آخرین مورد، این گویه با رؤسای دانشگاه‌ها در میان گذاشته شد: «در هر صورت، بودجه دولتی بایستی به عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین مالی دانشگاه‌ها باقی بماند» که ۹۰ درصد آنان با این نظر موافق بودند و این نشان می‌دهد باتوجه به شرایط دانشگاه‌های دولتی ایران، تا تحقق استقلال مالی دانشگاه‌ها و کسب درآمدهای مستقل راه درازی در پیش است و باید به تدریج فرهنگ اداره مستقل دانشگاه‌ها را پیگیری کرد.

پرسش‌های مشروح:

برای یافتن راه حل هر مسأله‌ای ابتدا بایستی ریشه وجود آمدن آن مسأله را پیگیری کرد. به همین منظور به عنوان اولین سؤال مشروح، از رؤسای دانشگاه‌ها پرسیده شد به نظر آنها ریشه مشکلات مالی دانشگاه‌های دولتی ایران چیست؟ بیشترین فروانی در میان پاسخ‌ها «وابستگی شدید دانشگاه‌ها به منابع دولتی» عنوان شده است. سایر پاسخ‌ها عبارت است از: «نبود دید جامع در سازمان مدیریت، توزیع ناعادلانه بودجه و هزینه‌ای قلمداد کردن بودجه دانشگاهی به جای سرمایه‌گذاری شمردن آن»، «نبود بازار برای فروش خدمات دانشگاهی»، «افزایش دانشجویان بدون پرداخت شهریه»، «نبود مدیریت مالی درست در دانشگاه‌ها»، «عدم تخصیص اعتبارات مصوب» و «وجود تورم و افزایش قیمت‌ها». یکی از رؤسای دانشگاه‌ها نیز این نکته را یادآور شده است که کمبود منابع مالی، مشکل همه سازمان‌های دولتی است و اختصاصی به دانشگاه‌ها ندارد.

برخی معتقدند از آنجا که بخش‌های مختلف اقتصادی از منافع حاصل از استخدام دانش‌آموختگان بهره می‌جویند خود آنها نیز باید در تأمین قسمتی از هزینه‌های دانشگاه‌ها مشارکت داشته باشند. مثلاً درصدی از درآمد صنایع و سایر بخش‌های اقتصادی به بخش آموزش عالی دولتی اختصاص یابد. در این خصوص از رؤسای دانشگاه‌ها پرسیده شد که آیا با این نظر موافق هستند. ۶۲ درصد پاسخگویان با این نظر ابراز موافقت کرده و به عنوان نمونه پیشنهاد کرده‌اند به ازای هر فارغ‌التحصیلی که بنگاه‌های اقتصادی استخدام می‌کنند درصدی از حقوق ماهانه وی به آموزش عالی اختصاص یابد به عقیده اینان، کمک صنایع و بخش‌های مختلف اقتصادی به دانشگاه‌ها در نهایت به نفع خود آنان است و در حالیکه صنایع سالانه میلیاردها تومان مثلاً در ورزش کشور هزینه می‌کنند، بایستی سازوکاری تعبیه شود تا دانشگاه‌ها نیز از

کمک صنایع بهره‌مند شوند. ۳۳ درصد رؤسای دانشگاه‌ها با این نظر مخالف بوده و علت آن را وارد شدن فشار مضاعف بر صنایع تولیدی و عملی نبودن عنوان نموده و گفته‌اند دانشگاه‌ها نباید مورد ترحم و دلسوزی قرار گیرد بلکه ارتباط با صنایع بایستی در قالب پروژه‌هایی که صنعت به دانشگاه سفارش می‌دهد تعریف شود.

یکی از منابع مهم کسب درآمد دانشگاه‌ها فروش خدمات آموزشی نظیر برگزاری دوره‌های آموزشی برای سازمان‌های مختلف، برگزاری دوره‌های کوتاه مدت و آموزش مجازی است. از رؤسای دانشگاه‌ها در این مورد سؤال شد که چگونه دانشگاه‌ها می‌توانند در این زمینه موفق شوند. برخی از رؤسای دانشگاه‌ها عنوان کرده‌اند که تجارب موفق در این زمینه داشته‌اند اما نگرانی‌هایی را ابراز داشته‌اند از جمله اینکه دانشگاه‌ها در نرخ‌گذاری این دوره‌ها مختار نیستند و درآمدی که از برگزاری این دوره‌ها حاصل می‌شود ناچیز است. همچنین به این نکته اشاره کرده‌اند که چون در دوره‌های کوتاه مدت، مدرک رسمی اعطاء نمی‌شود، لذا متقاضیان کمی برای شرکت در دوره‌ها ثبت‌نام می‌کنند. به علاوه سازمان‌های آموزشی موازی نظیر سازمان مدیریت دولتی و جهاد دانشگاهی متقاضیان این دوره‌ها را کم کرده است. یکی از رؤسای دانشگاه‌ها پیشنهاد کرده است که دستگاه‌های اجرایی ملزم شوند آموزش کارکنان خود را از طریق دوره‌های کوتاه‌مدتی که در دانشگاه‌ها برگزار می‌شود، انجام دهند. اعضای هیأت علمی نیز به طرق مختلف، به تعریف و ارائه دوره‌های کوتاه‌مدت و کسب درآمد برای دانشگاه تشویق شوند. یک پاسخگو نظر داده که بهتر است دانشگاه‌های دولتی خود را درگیر دوره‌های کوتاه‌مدت نکنند و این کار را به موسسات آموزشی خصوصی بسپارند.

منع دیگری که دانشگاه‌ها برای کسب درآمد بدان متوسل می‌شوند فروش خدمات پژوهشی و مشاوره‌ای است که نقش عمده‌ای در تأمین منابع مالی دانشگاه‌های پیشرفته دنیا دارد. از رؤسای دانشگاه‌ها پرسیده شد که دانشگاه‌های دولتی ایران برای کسب درآمد از طریق فروش خدمات پژوهشی و مشاوره‌ای چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند. مهم‌ترین نکات مطرح شده از سوی پاسخ‌گویان به قرار زیر است: دستگاه‌های اجرایی دولتی مکلف به استفاده از خدمات پژوهشی دانشگاه‌ها شوند؛ اگر صنعت اعتقاد پیدا کرد که دانشگاه‌ها می‌توانند مشکلات آنها را رفع کنند در آن صورت دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق فروش خدمات پژوهشی و مشاوره‌ای

خود کسب درآمد کنند؛ فروش خدمات پژوهشی و مشاوره‌ای در پیچ و خم اداری عقیم می‌ماند؛ دولت باید صنایع را تشویق کند که برای رفع مشکلات خود به دانشگاه‌ها روی بیاورند؛ تا زمانی که مطالعه بازار صورت نگیرد و دانشگاه از تقاضای جامعه بی‌خبر باشد فروش خدمات پژوهشی جایگاهی نخواهد داشت؛ بایستی بار موظف تدریس استادانی که درگیر کارهای پژوهشی و مشاوره‌ای هستند با منظور نمودن واحدهای معادل پژوهشی اصلاح شود؛ بسیاری از تحقیقات در استان‌ها توسط افراد غیرمحقق و غیر دانشگاهی انجام می‌شود و بودجه پژوهشی استانها به صورت غیربهبینه مصرف می‌شود؛ بایستی مراکزی در داخل دانشگاه‌ها برای یافتن متقاضی و فروش خدمات پژوهشی و مشاوره‌ای ایجاد شوند. البته آنطور که اذعان کرده‌اند به جز اندکی از دانشگاه‌ها بسیاری از آنها در زمینه فروش خدمات پژوهشی خود موفق نبوده‌اند.

از آنجا که رؤسای دانشگاه‌ها بطور عینی درگیر مسایل اجرایی و موانع تأمین مالی دانشگاه‌ها هستند از آنان سؤال شد «آیا در حال حاضر برای اینکه دانشگاه‌ها بتوانند منابع مالی جدیدی به طور مستقل برای خود ایجاد کنند مشکلات و موانع قانونی وجود دارد؟ اگر بلی در کجا و چه تغییراتی باید انجام گیرد؟» در این زمینه رؤسای دانشگاه‌ها پیشنهادها متعددی ارائه داده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت است از: وزارت علوم شهریه دوره‌های شبانه را پایین نگه داشته است. بایستی آزادی عمل بیشتری در تعیین شهریه دوره‌های آموزشی به دانشگاه‌ها داده شود؛ دخالت سازمان‌های دیگر اختیار دانشگاه‌ها را در درآمذزایی با محدودیت مواجه می‌کند؛ بخشی از اختیارات هیأت امانا به رئیس دانشگاه واگذار شود تا کارها سریع‌تر انجام گیرد؛ دانشجویان ورودی اعم از روزانه، شبانه، مجازی و ... همگی باید شهریه بپردازند؛ باید بند الف ماده ۴۹ از طرف کلیه ارگان‌ها و سازمان‌ها از جمله دیوان محاسبات کاملاً پذیرفته شود؛ دولت بایستی دستگاه‌های دولتی و مؤسسات و شرکت‌های وابسته به خود را از لحاظ قانونی مجبور کند تا درصدی از بودجه پژوهشی خود را از طریق دانشگاه‌ها هزینه کنند؛ برای دانشگاه‌ها این امکان فراهم شود که در پروژه‌هایی به صورت بلندمدت سرمایه‌گذاری کنند و بتوانند از سود حاصل از این سرمایه‌گذاری برای هزینه‌های دانشگاهی استفاده نمایند؛ بودجه

دانشگاه بر اساس سرانه ساعتی خدمات آموزشی پرداخت شود نه بر اساس سرانه دانشجویی؛ موانع در توسعه روابط بین‌الملل برداشته شود؛ مالیات پژوهش حذف شود.

یک حالت کسب درآمد برای دانشگاه‌ها ورود مستقیم آنها به فعالیت‌های اقتصادی (نظیر خرید و فروش سهام در بورس) است. از رؤسای دانشگاه‌ها در این مورد سؤال شد که آیا با انجام فعالیت‌های اقتصادی (البته به طور محدود) توسط دانشگاه‌ها موافقت؟ ۷۱ درصد پاسخگویان با این امر مخالفت کردند و دلایلی از جمله موارد زیر آورده‌اند: دانشگاه از مأموریت اصلی خود به دور می‌افتد؛ دانشگاه باید هویت خود را حفظ کند؛ دون شأن دانشگاه است؛ ورود به فعالیت‌های اقتصادی فلسفه وجود دانشگاه از لحاظ تولید علم و بی طرفی علمی را زیر سؤال می‌برد؛ دانشگاه یک بنگاه اقتصادی نیست، تخصص دانشگاه‌ها فعالیت در زمینه‌های اقتصادی نیست و مدیریت این کار مشکل است.

یکی دیگر از منابع کسب درآمد دانشگاه‌ها «وقف» است. در کشورهای پیشرفته بسیاری از خیرین به دانشگاه‌ها کمک‌های نقدی و غیرنقدی می‌نمایند اما در ایران این سنت هنوز به شکل یک فرهنگ در نیامده است. از رؤسای دانشگاه‌ها پرسیده شد موانع و مشکلات استفاده دانشگاه‌ها از موقوفات چیست. تقریباً همه پاسخگویان بر این نکته تأکید داشتند که مشکلات فرهنگی مهم‌ترین مانع اختصاص موقوفات به دانشگاه‌هاست و بایستی در این زمینه کار تبلیغی و اطلاع‌رسانی وسیعی صورت پذیرد. مردم ترجیح می‌دهند موقوفات را صرف مسایل دینی کنند. یکی از رؤسای دانشگاه‌ها نوشته است: «مردم برای دستگاه‌هایی که آدم با دین را بی دین می‌کنند چیزی وقف نمی‌کنند». از سوی دیگر یک رئیس دانشگاه پیشنهاد کرده است «این کار (وقف) با هدف توسعه فضاهای مذهبی دانشگاه‌ها مثل مسجد باشد و به تدریج می‌توان آن را به سایر قسمت‌های دانشگاه‌ها مثل کتابخانه تعمیم داد». یک نظر هم این است که بایستی مشوق‌های لازم (مثل مواردی که برای خیرین مدرسه‌ساز وضع شده) برای کمک‌کنندگان به آموزش عالی نیز وضع شود. به هر حال نظر اکثریت رؤسای دانشگاه‌ها این بود که وظیفه مسئولان، صداوسیما، مطبوعات، مدیران و واعظان است که فرهنگ وقف و جنبه‌های مختلف آن را برای مردم تبیین کنند و به آنان بگویند که موارد وقف صرفاً ساختن مسجد، حسینیه، مدرسه و بیمارستان نیست. ساخت دانشگاه، مراکز پژوهشی، کتابخانه و خوابگاه‌های

دانشجویی نیز از ارزش زیادی در فرهنگ اسلامی برخوردار است. ناگفته نماند برخی از دانشگاه‌ها عنوان کردند که زمین‌های در اختیار آنان از زمین‌های وقفی است و سالانه اجاره‌بهای آن را- که بعضاً سنگین نیز هست - به سازمان اوقاف می‌پردازند.

در کنار کمبود منابع مالی دانشگاه‌ها مسئله بد تخصیص دادن بودجه در درون دانشگاه‌هاست. این مشکل با رؤسای دانشگاه‌ها در میان گذاشته و از آنها پرسیده شد تخصیص درونی منابع مالی در دانشگاه‌ها چه مشکلاتی دارد و آنان از چه راه‌هایی می‌توانند به کاهش (و یا بهینه‌سازی) هزینه‌های خود مبادرت ورزند. جالب است که بسیاری از رؤسای دانشگاه‌ها عنوان کرده‌اند دانشگاه‌ها نوعاً به قدری با کمبود بودجه مواجهند که بد تخصیص دادن بودجه در دانشگاه‌ها به چشم نمی‌آید. «دانشگاه‌ها هزینه‌های غیرضروری ندارند»، «بیشترین بودجه دانشگاه‌ها صرف پرداخت به پرسنل می‌شود»، «بهینه هزینه‌کردن در دستور اغلب رؤسای دانشگاه‌ها هست ولی کسری بودجه اجازه این کار را نمی‌دهد». برخی از رؤسای دانشگاه‌ها ائتلاف منابع را ناشی از آموزش عالی رایگان تلقی کرده‌اند. بدین صورت که اسراف در مصرف آب و برق و دورریزی غذا در دانشگاه‌ها را به واسطه ارزان یا رایگان بودن خدمات دانشجویی دانسته‌اند و برای جلوگیری از این کار، خصوصی‌سازی خدمات و اخذ شهریه را پیشنهاد کرده‌اند. برخی از رؤسا نیز ائتلاف منابع و بد تخصیص دادن بودجه را پذیرفته‌اند و فقدان تخصص در بودجه‌ریزی، نبود ارزیابی عملکرد اعتبارات تخصیصی و نبود نظارت دقیق بر فعالیت‌های مالی را از علل آن دانسته‌اند. یکی از رؤسای دانشگاه نیز به این نکته اشاره کرده که مدیریت متمرکز و سلیقه‌ای در دانشگاه‌ها موجب شده است که تخصیص درونی بودجه متکی به شخص باشد و با تغییر مدیر، سیاست‌های تخصیص بودجه نیز تغییر می‌کند.

«آیا هم اکنون رؤسای دانشگاه‌ها از استقلال مدیریتی لازم برای به اجرا گذاشتن برنامه‌های خود در زمینه کسب منابع مالی جدید برای دانشگاه متبوع خود برخوردارند؟» پرسش دیگری بود که با رؤسای دانشگاه‌ها در میان گذاشتیم. ۲۸ درصد پاسخگویان به این پرسش پاسخ بلی و ۲۴ درصد پاسخ خیر داده‌اند. به عبارت دیگر نزدیک بودن این درصدها نشان می‌دهد هنوز رؤسای دانشگاه‌ها به اجماع واحدی در خصوص استقلال مدیریتی خود نرسیده‌اند. رؤسایی که خود را دارای استقلال مدیریتی می‌دانند بیشتر به بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه

اشاره کرده‌اند که اختیارات لازم را به مدیریت دانشگاه‌ها داده است. در عوض، مخالفان به ناکافی بودن اختیارات مدیریتی و دخالت سازمان‌هایی همچون دیوان محاسبات و سایر سازمان‌های نظارتی اشاره کرده‌اند. اما ۳۳ درصد پاسخگویان اذعان کرده‌اند که تا حدی اختیارات لازم وجود دارد ولی هنوز جای کار وجود دارد و وضع قوانین جدید در راستای اعطای اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها را لازم داشته‌اند. یکی از رؤسای دانشگاه هم در پاسخ به این پرسش گفته است: «آب کم جو تشنگی آور به دست» که البته منظور وی مفهوم نشد.

اما بخش خصوصی از راه‌های متعددی می‌تواند در کاهش مشکلات مالی دانشگاه‌ها مؤثر باشد. به نظر رؤسای دانشگاه‌ها این راه‌ها عبارتند از: خرید خدمات مورد نیاز خود از دانشگاه‌ها، بستن قراردادهای آموزشی و پژوهشی با دانشگاه‌ها و استفاده از خدمات دانشگاه‌ها، مشارکت با دانشگاه برای ایجاد محصول جدید یا بهبود محصول قبلی، ایجاد مؤسسات آموزشی خصوصی، بورس کردن دانشجویان، به عهده گرفتن خدماتی که دانشگاه به دانشجویان ارائه می‌دهد مثل غذاخوری و خوابگاه. اما برخی از رؤسا خواستار اجباری شدن خرید خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها توسط بخش خصوصی شده‌اند. یکی از رؤسای دانشگاه‌ها نیز نگرانی خود از ارتباط دانشگاه و بخش خصوصی را اینگونه بیان کرده است: «وابستگی مؤسسات آموزش عالی به بخش خصوصی موجب لطمه به علم می‌شود».

چنانکه می‌دانیم چهار منبع اصلی تأمین مالی دانشگاه‌ها عبارتند از: بودجه دولتی، فروش خدمات آموزشی و پژوهشی، شهریه و موقوفات. اما اینکه کدامیک از این موارد در تأمین مالی دانشگاه‌های ایران مهم تر است از رؤسای دانشگاه‌ها پرسیده شد. تمامی رؤسای دانشگاه‌ها بلا استثناء بودجه دولتی را مهم‌ترین منبع مالی دانشگاه‌ها دانسته‌اند. پس از آن اکثر پاسخگویان شهریه را منبع مهم درآمدزایی دانشگاه‌ها تلقی نموده و در رده‌های بعدی فروش خدمات دانشگاهی و موقوفات را آورده‌اند. نکته این است که تقریباً هیچیک از پاسخگویان به وقف به عنوان یک عامل مهم در تأمین مالی دانشگاه‌ها ننگریسته‌اند و این لزوم تبلیغ و سیع تر و اطلاع رسانی گسترده تر به مردم در زمینه اعطای موقوفات به دانشگاه‌ها را گوشزد می‌کند. برخی از رؤسای دانشگاه‌ها نیز علاوه بر چهار مورد بالا، گسترش روابط بین‌الملل و درآمد ناشی از سرمایه‌گذاری دانشگاه‌ها را جزو منابع درآمدی بالقوه خود قلمداد کرده‌اند.

«اعمال چه سیاست‌هایی در سطح دولت و وزارت علوم باعث می‌شود تا رؤسای دانشگاه‌ها انگیزه بیشتری برای یافتن منابع جدید مالی داشته باشند؟» این پرسش بعدی از رؤسای دانشگاه‌ها بود. بیشترین پاسخ آنها حول این محور قرار داشت که به ازای بودجه‌ای که دانشگاه‌ها به عنوان درآمد اختصاصی کسب می‌کنند، درصدی از آن به عنوان تشویق به بودجه دانشگاه در سال بعد اضافه شود. سایر پاسخ‌ها بدین شرح بود: واگذاری اختیارات بیشتر به رؤسای دانشگاه‌ها، اجرای کامل مفاد بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، ثبات مدیریت دانشگاه‌ها، افزایش حق مدیریت، حذف چند شغله و چند مسئولیتی بودن رؤسای دانشگاه‌ها، بازنگری اساسی در آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها، فراهم نمودن فضای ارتباط صمیمانه‌تر وزیر علوم با رؤسای دانشگاه‌ها، فراهم نمودن فضای همکاری بین دانشگاه‌های مختلف، لحاظ نمودن میزان جذب منابع مالی اختصاصی در رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و تعریف دقیق یک رئیس دانشگاه.

طبق بند الف ماده ۴۹ برنامه چهارم توسعه، از ابتدای سال ۱۳۸۴ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور که وابسته به وزارت علوم هستند از قید نظام ذیحسابی درآمدند و تنها براساس آیین‌نامه‌ها و تصمیمات مصوب هیأت امنای مربوطه اداره خواهند شد. از رؤسای دانشگاه‌ها پرسیده شد که آیا این قانون در جهت افزایش استقلال مالی و اداری دانشگاه‌ها کافی است و یا اصلاحات دیگری نیز در این زمینه باید صورت گیرد. برخی از رؤسای دانشگاه‌ها این قانون را گام بزرگی در راه تحقق استقلال مالی و اداری دانشگاه‌ها دانسته‌اند. یک رئیس دانشگاه گفته است به همین راضی هستیم اگر این را هم از ما نگیرند. اما اکثر رؤسای دانشگاه‌ها این قانون را کافی ندانسته و خواهان انجام اقدامات مکمل برای اجرای موفق آن شده‌اند. از جمله به موارد زیر اشاره کرده‌اند: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هنوز این قانون را نپذیرفته است و در اجرای آن کارشکنی می‌کند. مثلاً مجوز استخدام باید از سازمان مدیریت گرفته شود. سازمان‌هایی نظیر بازرسی کل کشور، تحقیق و تفحص مجلس و دیوان محاسبات کشور چون درمورد اجرای این قانون توجه نیستند مشکلات زیادی را به وجود می‌آورند که تسهیلات ناشی از حذف ذیحسابی را جبران می‌کند. همچنین هم اکنون کوچک‌ترین کارها باید توسط هیأت امنای دانشگاه تصویب شود و این در روند اجرای امور

خلل ایجاد می‌کند. اغلب، تصویب کوچک‌ترین کارها چندین ماه طول می‌کشد. بنابراین فقط باید موارد اساسی و مهم به تصویب هیأت امناء برسد و اختیارات بیشتری به رؤسای دانشگاه‌ها داده شود. نکته دیگری که برخی از رؤسای دانشگاه‌ها بدان اشاره کرده‌اند این است که در حال حاضر دانشگاه‌ها تحت فشار تورم نیروی انسانی هستند که هزینه‌های ثابت دانشگاه‌ها را افزایش داده است ولی دست دانشگاه‌ها برای تعدیل نیروی انسانی بسته است.

به عنوان آخرین سؤال از رؤسای دانشگاه‌ها خواسته شد چنانچه نظر ناگفته‌ای در مورد مشکلات تأمین مالی دانشگاه‌ها دارند بیان دارند که به نکات زیر اشاره کرده‌اند: سازوکار مناسبی طراحی شود تا افراد و خیرینی که به دانشگاه کمک می‌کنند از معافیت‌های مالیاتی برخوردار شوند؛ هنوز در زمینه اختیارات دانشگاه‌ها و تعریف دقیق ریاست دانشگاه و مدیریت دانشگاهی ابهام وجود دارد؛ با وضعیت مالی فعلی دانشگاه‌ها نمی‌توان دانشگاه‌هایی موفق در سطح جهانی داشت و فقط می‌توان کج دار و مریز دانشگاه‌ها را اداره کرد؛ استقلال مالی نمی‌تواند برای همه دانشگاه‌ها به کار رود چون تعدادی از دانشگاه‌ها تازه تأسیس بوده و هیچ منبع تأمین مالی دیگری غیر از دولت ندارند؛ دستیابی به استقلال مالی بایستی به تدریج صورت گیرد و برای اجرای سیاست‌های مربوط به کسب استقلال مالی باید فرهنگ‌سازی صورت گیرد؛ صنعت به جای خریدهای کلان از خارج به دانشگاه‌های داخل روی بیاورد؛ بخش‌هایی در دانشگاه‌ها بوجود آید که وظیفه آنها فروش خدمات آموزشی و پژوهشی و بازاریابی برای این خدمات باشد؛ هر تعهدی که دولت برای دانشگاه‌ها ایجاد می‌کند باید منبع تأمین آن را نیز خود مشخص کند مثلاً افزایش حقوق اعضای هیأت علمی؛ اعطای مجوز و نظارت بر مؤسسات آموزشی به عهده دانشگاه‌ها گذاشته شود و بابت این کار حق‌الزحمه دریافت دارند؛ سازمان‌های دولتی و خصوصی باید موظف به خرید خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها شوند؛ آزادی عمل در هزینه کردن چندان در اختیار رؤسای دانشگاهی نیست؛ دانشگاه‌ها باید بتوانند شرکت‌های تحقیقاتی تأسیس کنند؛ سازمان اوقاف مردم را برای وقف دادن به دانشگاه‌ها تشویق کند؛ دانشگاه‌ها به بودجه دولتی عادت کرده‌اند. اگر آنها تحت فشار و یا تشویق برای به دست آوردن درآمد شوند مؤثر واقع می‌شود؛ هنوز در کشور این اعتقاد وجود ندارد که کارها باید براساس دانش‌محوری انجام گیرد؛ تبعیض در اختصاص منابع

و بودجه به بخش‌های مختلف باعث رشد بی‌تناسب آنها می‌شود؛ هر از چندی قوانین و بخش‌نامه‌هایی صادر می‌شود که بار مالی دارد و با این وضع نمی‌توان مدیریت مالی درستی انجام داد؛ نمی‌توان صحبت از استقلال مالی کرد ولی آب خوردن هم با اجازه و دستورالعمل باشد؛ ما نمی‌توانیم یک سازمان دولتی محسوب شویم ولی خدمات خود را مثل یک مؤسسه خصوصی ارائه دهیم. سیستم اداری و مالی این دو باهم جور در نمی‌آید؛ مدیران دولتی برای هزینه کردن تربیت شده‌اند و اصولاً کار درآمدزایی در قاموس آنها نیست؛ شورای تحقیقات استان‌ها بایستی تقویت شود؛ بخشی از اختیارات هیأت امناء به رئیس دانشگاه واگذار شود تا کارها سریع‌تر پیش رود؛ هنوز دیوان محاسبات دست برنداشته است؛ بهتر است جلسات هیأت امناء بیشتر برگزار شود تا دست دانشگاه‌ها در این خصوص بسته نماند؛ قیمت تمام‌شده خدمات آموزشی دانشگاه‌ها کم محاسبه می‌شود در نتیجه انگیزه‌ای برای برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف وجود ندارد؛ قبل از اقدام به ایجاد هرگونه رشته یا دانشکده جدید و یا به طور کلی هر فعالیت دانشگاهی، طرح توجیهی آن از نظر علمی، اقتصادی و اجرایی تهیه شود؛ در هر صورت نظارت بر عملکرد دانشگاه‌ها لازم است؛ همه دانشگاه‌ها در خصوص کمبود بودجه با یکدیگر یکسان نیستند. چرا که دانشگاه‌های مناطق محروم و در حال توسعه در تنگنای مالی بیشتری انجام وظیفه می‌کنند؛ اگر قرار است هیأت امناء بر روی صورت حساب‌های مالی دانشگاه‌ها نظر دهد دیگر وجود دیوان محاسبات ضرورتی ندارد.

مصاحبه با صاحب‌نظران:

برای یافتن درکی عمیق‌تر نسبت به موضوع استقلال مالی دانشگاه‌ها با چند تن از صاحب‌نظران، مصاحبه به شکل حضوری صورت گرفت. مصاحبه شونده‌گان عبارتند از: سرکار خانم معصومه قارون عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، آقای احمد داوری عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، دکتر ابوالقاسم نادری عضو هیات علمی دانشگاه تهران و دکتر مهدی الوانی عضو هیات علمی دانشگاه تهران. خلاصه‌ای از مهم‌ترین نکات مطرح شده توسط ایشان در زیر آورده می‌شود:

طبق ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم، دولت باید اعتبارات هزینه‌ای دانشگاه‌ها را بر اساس سرانه دانشجویی تخصیص دهد. برای این سرانه دانشجویی هنوز هیچ الگوی علمی و قابل قبولی که برای دو طرف قابل دفاع باشد تدوین نشده است. هنوز نظامی که بتواند منابع را بر اساس کارایی و عملکرد مطلوب دانشگاه‌ها تخصیص دهد وجود ندارد.

تفاوت اساسی که بین دانشگاه‌های ما و دانشگاه‌های سایر کشورها وجود دارد وجود الگوی دو قطبی در ایران است. اینکه ۵۰ درصد نظام آموزش عالی کاملاً وابسته به بودجه دولتی و ۵۰ درصد کاملاً متکی به منابع غیر دولتی است.

- استقلال مالی در دانشگاه‌های ما وجود ندارد. البته نمی‌توان توقع داشت که همه دانشگاه‌ها با همه سطح فعالیت و سابقه یک مرتبه دارای استقلال صد در صد شوند، بلکه باید به دانشگاه‌هایی که به لحاظ کارکرد قوی تر بودند و سابقه بیشتری در تجارب و خرج کردن داشتند، استقلال بیشتری داده شود.

قانون اساسی حمایت و پشتیبانی از آموزش عالی رایگان را تا سرحد خودکفایی واجب دانسته و هیچ جا هم به این که شهریه دریافت نشود اشاره‌ای نکرده است. این خودکفایی که در قانون اساسی آمده باید تعریف شود.

ضرورت وقف در سطوح دانشگاهی برای مردم هنوز جان‌نفتاده، در صورتی که در آموزش و پرورش سنت وقف انجام می‌شود. انجمن خیرین مدرسه‌ساز وجود دارد که جا افتاده است. ضروری‌ترین کار این است که دانشگاه‌ها باید ارزش محصولات خود را به جامعه نشان دهند هم در بخش آموزشی و هم در بخش پژوهشی.

- قاعداً بایستی دانشگاه به عنوان بنگاهی مطرح شود که در عوض بروندادی که دارد درآمدی نیز داشته باشد اما در کشور ما صرفاً به بودجه دولت متکی شده است

- درآمدزایی دانشگاه‌ها به عنوان یک فرهنگ درنیامده و کسب و کار در فرهنگ مدیران دانشگاهی مذموم است.

- در کل این باید بصورت فرهنگ در بیاید که هر کس در ازای تحصیل باید هزینه‌هایش را هم پرداخت کند.

- بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه باید تبیین شود. یعنی گزاره‌های مختلف از این قانون اصلی استخراج شود بصورت راهکار و دستورالعمل و بصورت اصل همه این را داشته باشیم تا هم‌زمان و همدل باشیم. الان کسانی که خودشان متکفل این ماده هستند به قدرت این ماده اعتقاد ندارند.
- بعد از قانون برنامه چهارم معیارهای انتخاب رئیس دانشگاه باید عوض شود. کسی که عالم خوبی هست الزاماً مدیر خوبی نیست. مدیر دانشگاه باید یک مدیر بنگاه باشد.
- دانشگاه‌ها کم و بیش دارای منابع مالی هستند، منتهی این کمبود منابع به خودی خود و تنها ناشی از منابعی که به آموزش عالی اختصاص پیدا می‌کند نیست. بخش زیادی از آن ناشی از ناکارآمدی تخصیص منابع در درون دانشگاه است.
- ما بدنه آموزش عالی را شکل داده ایم، عناصر آن زنده هستند، منتهی زندگی نمی‌کنند که به هدف مشترک خود برسند و زندگی نمی‌کنند تا فعالیت‌هایی انجام بدهند که اهداف آموزش عالی محقق شود.
- پرسش اساسی این است که آیا دانشگاه و خدمات دانشگاهی یک امر حاکمیتی است که دولت باید آن را انجام دهد، یا اینکه یک امر تصدی‌گری است؟
- چه ایرادی دارد که دانشگاه‌های ما همان کاری که جهاد دانشگاهی انجام داده را انجام دهند. مثلاً خدمتی را به مؤسسه خصوصی بدهند و در عوض پولی بگیرند و خرج هزینه‌هایشان بکنند. دوره‌های کوتاه‌مدت را فعال کنند. خدمات مشاوره‌ای بدهند.
- افزایش موقوفات و کمک‌های مردمی با خود دانشگاه حل نمی‌شود. یک کار فرهنگی وسیع‌تری می‌خواهد. برای مدرسه‌سازی نیز در مجامع دینی خیلی بحث شد که به اندازه مسجدسازی اهمیت و ارزش دارد. در دانشگاه‌ها این تفکر که دولت باید دانشگاه را بسازد و دیگر کسی تکلیفی ندارد باعث این وضعیت شده است.
- دولت باید اجازه دهد آن دسته از دانشگاه‌های غیرانتفاعی که خوب عمل می‌کنند، توسعه پیدا کنند و رشته‌های بیشتری ایجاد کنند و آزادی عمل مالی بیشتری داشته باشند.
- یکی از معضلات دانشگاه‌های ما این است که مدیرانش عموماً تجربه مدیریتی ندارند و از دانش مدیریتی بهره‌مند نبوده‌اند و بسیاری از مدیران و رؤسای دانشگاه‌های ما استادانی هستند

از رشته‌های گوناگون و البته در رشته خودشان افراد فرهیخته‌ای هستند اما مدیریت یک تخصص است.

- باید دانشجو نیز در تأمین هزینه‌ها مشارکت بکند. برای اینکه اگر مشارکت کند طول دوره تحصیلی دانشجویان زودتر تمام می‌شود و دانشجو بهتر درس می‌خواند و قدر دانشگاه را بهتر می‌داند. وقتی که هر کالایی مجانی باشد قدرش را نمی‌دانیم در استفاده از آن احساس مسئولیت نمی‌کنیم. به هر حال دانشگاه‌ها باید شهریه بگیرند.

بحث و نتیجه‌گیری:

در کشورهای در حال توسعه که نهادهای علمی زیادی خارج از دانشگاه وجود ندارد، دانشگاه مهم‌ترین محور علمی و عملاً مهم‌ترین پایگاه رشد علم است. (مکنون، ۱۳۸۳) بنابر این حمایت مالی از دانشگاه‌ها جزو وظایف ذاتی دولت است. اما تخصیص بودجه دولتی همواره کمتر از نیاز واقعی و بدون توجه به رشد مورد انتظار متغیرهایی نظیر تعداد اعضای هیأت علمی، دانشجویان، کارکنان اداری و فضاها، فیزیکی و تجهیزات آزمایشگاهی صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، گرچه بودجه اسمی دانشگاه‌ها افزایش می‌یابد اما بودجه واقعی آنها کم می‌شود. کاهش واقعی بودجه؛ خود را در کاهش کیفیت انجام وظایف دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نشان خواهد داد و چون آموزش عالی یک حوزه فرابخشی است لذا تبعات کاهش کیفیت آن را سایر بخش‌ها خواهند دید. از این رو، دانشگاه‌ها اگر تنها منتظر افزایش بودجه سنواری دولتی باشند همه ساله وضعیت خود را بدتر خواهند دید.

رشد تقاضا برای آموزش عالی در طول ربع آخر قرن بیستم و احتمال ادامه روند افزایش آن در قرن بیست و یکم، آموزش عالی را با محدودیت‌های زیادی بویژه در زمینه تأمین مالی بخش عمومی آموزش عالی مواجه کرده است. کمبود منابع مالی، محدودیت‌هایی را در زمینه پاسخگویی به انتظارات از آموزش عالی بویژه کیفیت آن بوجود آورده است. به همین دلیل اعتبار و ثبات دانشگاه‌ها در بسیاری از کشورها زیر سؤال رفته است. هم اکنون بیشترین چالش‌هایی که دانشگاه‌ها با آن مواجهند در قالب سؤالات زیر مطرح می‌شود: دانشگاه‌ها چگونه منابع مالی خود را افزایش دهند؟ چگونه منابع مالی خود را متنوع سازند؟ چگونه تخصیص بهینه منابع به شکل بهینه در داخل دانشگاه شکل بگیرد و مدیریت شود؟ و بالاخره

اینکه چگونه دانشگاه‌ها با وجود این مشکلات از پس مسئولیت‌های اجتماعی خود برآیند و استقلال سازمانی خود را حفظ کنند؟ (WCHE-۱۲۰۰۲)

ساختار آموزش عالی در ایران برگرفته از نظامی متمرکز است. ساختار متمرکز معمولاً برای یک محیط باثبات و ساده طراحی می‌شود و چنین ساختاری پاسخ‌گوی محیط پیچیده نخواهد بود. ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی ایران همواره در حال تغییر و تحول بوده است. در شرایط فعلی، که سرعت در نشان دادن واکنش و اخذ تصمیم در زمره عناصر بسیار مهم اداره سازمانها به شمار می‌آیند، ساختار آموزش عالی کشور به دلیل تمرکز آن، توانایی همگامی با شرایط موجود را ندارد. ساختاری که بدون تحلیل محیط داخلی و خارجی طراحی شود احتمالاً اثربخش نخواهد بود. (آراسته، ۱۳۸۳) چالش‌های آغازین برای موضوع مستقل شدن دانشگاه، تدبیر و تدوین الگویی نظام‌مند و همه‌جانبه برای ایجاد شخصیت حقوقی مستقل از وزارتخانه و دولت می‌باشد. هم‌اکنون چنین روندی در مورد شرکت‌های دولتی اعمال می‌شود که دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند. (آهون منش، ۱۳۸۱)

در آموزش عالی سوال اساسی این است که چه کسی باید هزینه‌های آموزش عالی را بردارد؟ (هوک، ۱۳۷۶) آیا منابع مورد نیاز بخش آموزش عالی باید از کل جامعه مالیات‌دهنده گرفته شود یا از دانشجویان یا از کسانی که فارغ‌التحصیلان را استخدام می‌کنند؟ گرچه مؤسسات آموزش عالی ظرفیت بالقوه تأمین بخش عظیمی از مخارج خود را از طریق فروش خدمات خود دارا هستند بدون استثناء پاسخ به این قبیل پرسش‌ها را باید در بافت سیاسی یافت.

اگر شرایط مناسب باشد، طرح‌های مربوط به تأمین مالی دانشگاه‌ها می‌تواند به اجرا درآید، خصوصاً اگر ظرفیت سازمانی برای اجرا وجود داشته باشد، حمایت سیاسی گسترده‌ای حاکم باشد، مردم و رسانه‌های گروهی ضرورت اجرای برنامه‌ها را درک کنند و پشتیبانی خود را از سیاست‌های اعلام شده، به عمل آورند، طرح‌ها می‌تواند هر چه سریع‌تر اجرا شود. منبع حمایتی مجزا اما مهم برای اجرای برنامه‌ها رسانه‌ها هستند. مطبوعات و رسانه‌ها برای جا

انداختن و فرهنگ سازی اجرای برنامه‌ها در قشر وسیع‌تری از جامعه، نقش اساسی دارند. (بار و کرافورد، ۲۰۰۵)

تصمیمات نه هدف بلکه ابزار دستیابی به اهداف هستند. تصمیمات جاری مراکز دانشگاهی، گرایش بالایی به برقراری ثبات و پایداری دارند و با ایده‌های جدید چندان همخوانی ندارند. از آنجا که رفتارهای دانشگاه‌ها عموماً از نوع گسسته و تدریجی است تغییرات نیز به تدریج و مستمر اما با وقفه رخ می‌دهد، لذا می‌توان انتظار تحولات بنیادی ولی کوچک را در دانشگاه‌ها داشت. (حمیدی زاده، ۱۳۸۳) بنابر این نکته مهم این است که دانشگاه‌ها به تدریج و گام به گام سیاست‌های مربوط به استقلال مالی و تعدد ممرهای درآمدی خود را به اجرا گذارند و از افراط و تفریط در این زمینه اجتناب کنند.

مهم‌ترین نتایج ویافته‌های این تحقیق به قرار زیر است:

- سازمان‌های مسئول توزیع بودجه کشور، بودجه دانشگاهی را به جای سرمایه‌گذاری به عنوان هزینه مصرفی در نظر می‌گیرند به همین خاطر به دانشگاه‌ها کمتر از آنچه استحقاق دارند بودجه اختصاص می‌دهند.
- اکثر رؤسای دانشگاه‌ها با این نظر که درصدی (مثلاً یک یا دو درصد) از درآمد مشمول مالیات بنگاه‌های اقتصادی و صنایع تولیدی به دانشگاه‌ها اختصاص می‌یابد موافقت می‌کنند.
- سازمان‌های دولتی و خصوصی ملزم شوند درصدی از بودجه پژوهشی خود را از طریق خدمات آموزشی و پژوهشی که دانشگاه‌ها ارائه می‌دهند هزینه کنند.
- دانشگاه‌ها در قیمت‌گذاری خدمات آموزشی و پژوهشی خود آزادی عمل بیشتری داشته باشند.
- مراکزی در داخل دانشگاه‌ها ایجاد شود که وظیفه آن یافتن مشتری و بازاریابی برای خدمات آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای دانشگاه‌ها باشد.
- برای دانشگاه‌ها این امکان فراهم شود که در پروژه‌هایی به صورت بلندمدت سرمایه‌گذاری کنند و بتوانند از سود حاصل از این سرمایه‌گذاری برای هزینه‌های دانشگاهی استفاده نمایند.

- واگذاری بخشی از اختیارات هیأت امناء به رئیس دانشگاه
- موانع مختلف در توسعه روابط بین‌المللی دانشگاه‌ها برداشته شود.
- مشکلات فرهنگی مهم‌ترین مانع اختصاص موقوفات به دانشگاه‌هاست و بایستی در این زمینه کار تبلیغی و اطلاع‌رسانی وسیعی از جانب مسئولان سیاسی و مذهبی کشور، سازمان اوقاف و رسانه‌ها صورت پذیرد.
- درصدی از درآمدی که دانشگاه‌ها از راههایی غیر از بودجه دولتی کسب می‌کنند به عنوان تشویق به بودجه دانشگاه در سال بعد اضافه شود.
- مدیریت دانشگاه‌ها ثبات بیشتری داشته باشد تا رؤسای دانشگاه‌ها زمان بیشتری برای اجرای برنامه‌های خود داشته باشند.
- حق مدیریت رؤسای دانشگاه‌ها افزایش یابد تا آنها با انگیزه بیشتری فعالیت کنند.
- میزان جذب منابع درآمدی اختصاصی دانشگاه‌ها در رتبه‌بندی آنها لحاظ شود.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات هنوز لزوم و اهمیت اجرای کامل بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه را درک نکرده‌اند و این در روند استقلال دانشگاه‌ها خلل ایجاد می‌کند.
- سازکاری توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد شود تا افراد و خیرینی که به دانشگاه کمک می‌کنند از معافیت‌های مالیاتی برخوردار شوند.
- هنوز در زمینه تعریف دقیق اختیارات رؤسای دانشگاه‌ها ابهام وجود دارد.
- نظام‌های جدید آموزشی همچون آموزش مجازی به عنوان ممر درآمدی جدید دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد.
- کارگاه آموزشی مخصوص رؤسای دانشگاه‌ها در مورد اقتصاد آموزش عالی، مدیریت مالی دانشگاه‌ها و راهکارهای مختلف افزایش درآمد اختصاصی توسط استادان مجرب برگزار شود.
- حداقل یک نفر از اعضای هیأت امنای دانشگاه‌ها از میان مدیران صنایع تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی انتخاب شود.
- سمیناری توسط وزارت علوم در مورد راهکارهای تامین مالی دانشگاه‌ها برگزار شود.

منابع:

- ۱- جانستون، بروس (۱۳۸۴)-اقتصاد و سیاست‌های مشارکت در هزینه‌ها در آموزش عالی- { برگرفته شده از اینترنت }
- ۲- هوگ، جی. آر (۱۳۷۶)، امور مالی، مترجم: معصومه قارون، گزیده مقالات دایره‌المعارف آموزش عالی، انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۳- نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، اقتصاد آموزش، انتشارات یسپرون.
- ۴- قارون، معصومه (۱۳۷۶)، تخصیص منابع به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی ایران، جلد اول.
- ۵- تایت، م (۱۳۷۶)، استقلال سازمانی، مترجم: قاسم جابری پور، دایره‌المعارف آموزش عالی، انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۶- مکنون، رضا (۱۳۸۳)، دانشگاه توسعه پایدار و چالش‌ها، انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران.
- ۷- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۳)، ساختار آموزش عالی، انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران.
- ۸- آهون منش (۱۳۸۱)، دکتر علی، چالش‌های آموزش عالی در ایران، مجموعه مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاه‌ها، ناشر: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۹- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۳)، تصمیم‌سازی در آموزش عالی، انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران.
- ۱۰- روشن-احمد رضا (۱۳۸۵)- بررسی تحقق استقلال مالی دانشگاه‌ها- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی- گزارش طرح تحقیقاتی
- 11- Barr Nickolas and Iain Crawford(2005) - Financing Higher Education - Routledge press.
- 12- Edward, John and Paulsen, Michael (2001) - Economic Theories and the Finance of Higher Education Agathon Press.
- 13- ESIB (The National Unions of Students in Europe) (2005) - Financing of Higher Education - Bergen, Norway.
- 14- Liefner, Ingo (2003) - Funding, Resource allocation and Performance in Higher Education Systems - Journal of Higher Education - Volume 46.
- 15- Mc Keown ,Mary (1999)- Higher Education Funding Formulas- New Direction For Higher Education-no.107.
- 16- Miandehi and Lavasany (1998) - University Autonomy in the Future, (Obtained from Internet).
- 17- Russel John Dale (1967) - The finance of Higher Education, The University of Chicago Press.
- 18- Washburn, Jennifer (2005) - University, INC: The Corporate corruption of Higher Education - Basic Books.
- 19- Zumeta, William (2001), the Finance of Higher Education - Agathon press.